

## واژگان درس اول کتاب زبان یازدهم – صفحه ۱

a bag of	یک پاکت، یک کیسه	available	دردسترس	cultural	فرهنگی
a bottle of	یک بطری	be afraid of	ترسیدن از	culture	فرهنگ
a cup of	یک فنجان	be familiar with	آشنا بودن با	deaf	ناشنوا
a few	تعداد کمی	beginner	مُبتدی، تازه کار	decide	تصمیم گرفتن
a glass of	یک لیوان	beginning	آغاز، شروع	despite	با وجود
a little	مقدار کمی	Belgium	بلژیک	development	توسعه، تکامل، ایجاد
a loaf of	یک قرص (نان)	belief	باور، اعتقاد	die	مردن
a lot	مقدار زیاد	below	زیر، پایین	die out	منقرض شدن
a lot of	تعداد یا مقدار زیاد	besides	علاوه بر	difference	تفاوت
a pack of	یک بسته	between	بین دو چیز	disappear	محو شدن، نابود شدن
a piece of	یک قطعه	blank	سفید، جای خالی	early	زود، اولیه
a slice of	یک تکه	borrow	قرض کردن	endangered	در معرض خطر
ability	توانایی	both	هر دو	eraser	پاک کن
about	حدوداً، در باره ی	brain	مغز	escape	فرار کردن
absolutely	کاملاً، مطلقاً	bread	نان	European	اروپایی
access	دسترسی، دستیابی	broadcast	پخش کردن، انتشار دادن	exchange	مبادله کردن
action	عمل، اقدام	by means of	به وسیله ی	exist	وجود داشتن
actually	واقعاً	candle	شمع	experience	تجربه
additional	اضافی	capital letter	حرف بزرگ	explain	توضیح دادن
adverb of manner	قید حالت	century	قرن	explanation	توضیح
all around the world	در تمام دنیا	certainly	حتماً	extra	اضافی
among	بین (چند چیز)	clear	واضح، روشن	fall down	سقوط کردن، افتادن
amount	مقدار	coffee	قهوه	farming	زراعت، کشاورزی
appear	ظاهر شدن	communicate	ارتباط برقرار کردن	favorite	محبوب، مورد علاقه
appropriate	مناسب، درخور	communication	ارتباط	few	تعداد ناچیز
around	اطراف، حدود	confident	مطمئن، دلگرم	fewer	تعداد کم تر
artist	هنرمند	consider	در نظر گرفتن	first	اول، اولین
at last	سرانجام	continent	قاره	fluently	به طور سلیس و روان
at least	حداقل	countable	قابل شمارش	follow	دنبال کردن
aunt	عمه، خاله	create	خلق کردن، ساختن	foreign	خارجی

## واژگان درس اول کتاب زبان یازدهم - صفحه ۲

foreigner	فردِ خارجی	is called	نامیده می شود	mention	گفتن، ذکر کردن
forest	جنگل	item	مورد، قلم، جنس	mind	ذهن
form	شکل، تشکیل دادن	juice	آب میوه، عصاره	mother tongue	زبان مادری
fortunately	خوشبختانه	keep off	دوری کردن	much	مقدار زیاد
fourth	چهارمین	kind	نوع، مهربان	museum	موزه
frequently	مکرراً، بارها	kitchen	آشپزخانه	native	بومی، محلی
give up	دست کشیدن، رها کردن	knowledge	دانش	nearly	تقریباً
grade	درجه، رتبه، کلاس	label	برچسب	necessary	لازم
grass	علف، چمن	lake	دریاچه	neighbor	همسایه
greatly	زیاد، به طور عظیمی	laugh	خندیدن	no matter	مهم نیست
hard-working	سخت کوش، پر تلاش	learner	فراگیر، یادگیرنده	notebook	دفترچه
Here you are.	بفرمایید (تعارف)	less than	کمتر از	nowadays	امروزه
high school	دبیرستان	little	مقدار ناچیز، کوچک	object	مفعول، چیز
hint	نشانه، اشاره، تذکر	look for	جستجو کردن	odd	نامناسب، عجیب
history	تاریخ	lots of	تعداد یا مقدار زیاد	office	دفتر کار
honest	شریف، صادق	loudly	با صدای بلند	once	یک بار، زمانی
honestly	صادقانه	luckily	خوشبختانه	own	خود، دارا بودن
host	میزبان، میزبانی کردن	mainly	عمدتاً، گلاً	pair up	دو تا دو تا
how many	چه تعداد	make different	تفاوت ایجاد کردن	paper	ورقه، کاغذ
how much	چه مقدار	make a mistake	اشتباه کردن	parking lot	محوطه پارکینگ
imagine	تصور کردن	make sure	اطمینان یافتن	passage	متن
impossible	غیر ممکن	make up	تشکیل شدن	pattern	الگو، طرح
improve	بهبود بخشیدن	many	تعداد زیاد	percent	درصد
improvement	بهبود	mark	علامت، علامت گذاشتن	period	نقطه، دوره ی زمانی
institute	موسسه، آنستیتو	mean	معنی دادن، منظور داشتن	person	شخص
interest	علاقه	meat	گوشت	physical	جسمی
interesting	جالب	media	رسانه ها	pick	چیدن، برداشتن
interestingly	به طور جالبی	meet the needs of	برآورده کردن نیاز ها	piece	قطعه، تکه
interview	مصاحبه	melon	خربزه	planet	سیاره
invite	دعوت کردن	mental	ذهنی	plenty	زیاد، فراوان

## واژگان درس اول کتاب زبان یازدهم – صفحه ۳

plural	جمع	sharpener	مداد تراش	the news	اخبار
point	نکته، متذکر شدن	shop	مغازه، خرید کردن	then	سپس
popular	محبوب، مشهور	sign language	زبان اشاره	therefore	بنابر این
population	جمعیت	similar	مشابه	think of	فکر کردن در باره ی
powerful	قدرتمند	simple sentence	جمله ی ساده	third	سومین
practice	تمرین، تمرین کردن	simply	به سادگی، واقعاً، حقیقتاً	through	از راه
present	حاضر، حال	sing	آواز خواندن	tiny	بسیار کوچک
price	قیمت	singular	مفرد	try	تلاش کردن
probable	محتمل، ممکن	skill	مهارت	turn off	خاموش کردن
project	پروژه، طرح	slice	تکه، برش	twice	دو بار
pronoun	ضمیر	smart	باهوش، تیز	type	نوع، گونه
proper noun	اسم خاص	society	جامعه	uncountable	غیر قابل شمارش
protect	محافظت کردن	some	تعدادی یا مقداری	understand	فهمیدن
quit	رها کردن، دست کشیدن	someone	کسی	use	به کار بردن
quite	کاملاً، نسبتاً	somewhere	جایی	useful	سودمند
range	محدوده، حیطه	space	فضا، جا	valuable	ارزشمند
really	واقعاً	speaker	گویشور، سخنگو	value	ارزش
rearrange	دوباره مرتب کردن	specific	خاص، ویژه	vary	تفاوت داشتن، متنوع بودن
receive	دریافت کردن	spoken form	شکل گفتاری	verb	فعل
region	منطقه	start	آغاز کردن، شروع	visitor	دیدار کننده
remember	عضو	step	مرحله، گام	while	زمانی که
repeat	تکرار کردن	strategy	ساز و کار، راهبرد	wind power	انرژی باد
researcher	محقق	subject	فاعل	wish	آرزو داشتن، خواستن
respect	احترام کردن	suggest	پیشنهاد کردن	without	بدون
rice	برنج	surprising	تعجب بر انگیز	world	دنیا
Russian	روسی	synonym	مترادف	written form	شکل نوشتاری
scan	بررسی اجمالی، پیمایش سریع متن	system	سامانه، سیستم	wrongly	به طور اشتباه
search for	جستجو کردن	take notice of	توجه کردن به	You're welcome.	خواهش می کنم (تعارف)
second	دومین	tense	زمان (گرامر)		
seek	جستجو کردن	text	متن		